

# بسیج همان حزب رستاخیز و سازمان سیاسی سراسری سپاه است

قسمت سوم - ن. کیانی

در تمام سخنان فرماندهان سپاه در مورد وظایف و نقش سپاه و بسیج حتی **یکبار** هم نامی از قانون و قانون اساسی برده نمی شود. سپاه بدین شکل خود را فوق قانون اساسی و تنها، مدافع فرمانده کل قوا و رهبر اعلام می کند. بنابراین وقتی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه بطور خیلی روشن با دور زدن قانون اساسی اعلام می کند: "ماموریت اصلی و مهم سپاه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن است" منظور بیش از آنکه دفاع از انقلاب باشد تهدید به کودتا برای دفاع از آن آرمان ها و اهدافی است که خود به کمک رهبر تعیین کرده و جانشین آرمان های واقعی انقلاب کرده اند.

## موانع طرح بسیج ده میلیونی

ضعف بزرگ بسیج روشن نبودن نقش، جایگاه و اهداف آن است. بسیج ده میلیونی چیست؟ یک حزب سیاسی؟ یک تشکیلات نظامی؟ یک سازمان مشاغل و حرفه ها؟ یا سازمانی از زنان یا جوانان؟ هیچیک از ستایشگران شبانه روزی بسیج به این پرسش ها، پاسخ نمی دهند، زیرا پاسخی برای آن وجود ندارد. آنان با شلوغ کردن و مخلوط کردن تهدیدهای خارجی و داخلی با توسعه علمی و فرهنگی و ورزشی در واقع می خواهند از پاسخ به این پرسش بنیادین فرار کنند.

اما می توان پرسید که مثلاً پزشکان یا مهندسان دور هم در بسیج جمع شوند که چکار کنند؟ آموزش نظامی ببینند؟ بحث سیاسی کنند؟ یا از منافع صنفی خود سخن بگویند و از آن دفاع کنند؟ اگر هدف دیدن آموزش نظامی برای دفاع از میهن در برابر خطرات و تهدیدهاست که ضرورتی به سازماندهی بر اساس حرفه ها وجود ندارد. یک کارگر و یک پزشک و یک فرهنگی و یک دانشجو می توانند بروند در کنار همدیگر در مسجد یا پادگان محلشان آموزش نظامی ببینند. اگر هدف، بحث سیاسی است برای بحث سیاسی برای چه باید در بسیج عضو شد و آموزش نظامی دید؟ جای اصلی بحث سیاسی در احزاب است که در ایران به آنها اجازه فعالیت داده نمی شود. اگر منظور گفتگو از مسایل حرفه ای یا دفاع از منافع صنفی است که این هم وظیفه ارگان های خاص صنفی و سندیکایی است که باید شکل سازمانی خاص خود را داشته باشد، یک ارگان انتخابی باشد و نه انتصابی و نظامی و اساساً ربط این موضوع به بسیج و سپاه پاسداران در کجاست؟

پس می بینیم که در اینجا تناقضی وجود دارد میان اهداف سیاسی و نظامی با شکل سازماندهی بسیج. در واقع بدلیل دشواری ها و شرایط خاص ایران در یک تشکیلات واحد بنام بسیج کوشش می شود که سه سازمان متفاوت گنجانده شود.

- سازمان های توده ای دانش آموزان و جوانان و نوجوانان و زنان (خواهران)

- سازمان های حرفه ای و صنفی

- سازمان سیاسی

گردآوری این سه مجموعه در یکجا ناممکن یا لاقابل بسیار دشوار است. طراحان بسیج ده میلیونی این تناقض را چگونه حل کرده اند؟ از طریق یک کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی که بر چهار محور قرار دارد:

- ۱- ضرورت بسیج براساس دفاع ملی و نظامی در برابر خطر خارجی و تهدید داخلی
- ۲- ضرورت بسیج برای پیشرفت و توسعه علمی، صنعتی، فرهنگی و ورزشی کشور
- ۳- ضرورت بسیج برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن
- ۴- فرهنگ ایثار و شهادت طلبی در بسیج

این چهار محور جایگاه و کارکرد خاص خود را در سازماندهی بسیج همچون یک حزب سیاسی دارند. بدین ترتیب است که ما گام به گام نزدیک می شویم به همان حزب "رستاخیز" شاهنشاهی با این تفاوت که بسیج حزبی سراسری و نظامی اما رستاخیز حزبی غیر نظامی اما سراسری بود و هر دو نیز هاله ای سازمانی بر سر قدرت حاکم.

۱- تکیه بر جنبه نظامی بسیج به منظور توجیه وابستگی آن به سپاه پاسداران است. همانطور که عزیز جعفری فرمانده سپاه در تبیین ماهیت بسیج می گوید: "بسیج وصل به سپاه است" و عبارت دیگر "سربازان سازمان رزم سپاه در راستای اهداف انقلاب، بسیجیان هستند." یعنی سرخ و فرماندهی و انتصابات تمام این تشکیلات میلیونی که تدارک دیده می شود در دست سپاه و سرداران آن خواهد بود. فرماندهان سپاه اعضای خود را کافی نمی دانند و می خواهند بر ۱۰ میلیون تن و حتی بنا به ادعای بلندپروازانه عزیز جعفری بر ۲۰ میلیون تن فرمان برانند.

بنابراین، تکیه بر جنبه نظامی بسیج در واقع برای توجیه وصل بودن و وابسته بودن آن به سپاه است. در غیراینصورت بسیج اگر جنبه نظامی نداشته و فقط جریان علمی یا فرهنگی یا ورزشی باشد دیگر ربط و وصلی به سپاه نخواهد داشت، اما وابسته به سپاه است زیرا بسیج تشکیلات و حزبی سیاسی سپاه پاسداران و تحت هدایت آن است.

۲- تکیه بر پیشرفت و توسعه صنعتی و علمی و ورزشی و غیره برای توجیه سازمان سیاسی و توده ای بسیج است. متقابلاً اگر بسیج فقط جنبه نظامی داشته باشد پس گسترش آن به ورزش و علم و فرهنگ و تفریح به چه دلیل است؟ اگر تکیه بر جنبه نظامی بسیج به منظور وصل کردن آن به سپاه است، تکیه بر جنبه علمی و فرهنگی و توسعه صنعتی و اقتصادی به منظور توجیه ایجاد سازمان های حرفه ای و توده ای و گستردن بسیج به همه ابعاد و جوانب زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی است.

۳- محور سوم سازمان و ایدئولوژی بسیج تکیه بر جنبه "انقلابی" آن است. منظور از این جنبه انقلابی چیست؟ انقلابی بودن یعنی آنکه سپاه و بسیج خود را تابع قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس نمی دانند بلکه تابع تمایلات و آرمان های رهبر بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی می داند. جعفری فرمانده سپاه در تبیین این امر می گوید: "سپاه به عنوان یک سازمان موظف به دفاع از انقلاب و آرمان های آن است." در حالیکه وظیفه نیروهای مسلح اصولاً دفاع از قانون اساسی عنوان می شود در تمام سخنان فرماندهان سپاه در مورد وظایف و نقش سپاه و بسیج حتی **یکبار** هم نامی از قانون و قانون اساسی برده نمی شود. سپاه بدین شکل خود را فوق قانون اساسی و مستقیماً پاسدار "انقلاب" و در واقع دفاع از فرمانده کل قوا و رهبر اعلام می کند. بنابراین وقتی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه بطور خیلی روشن با دور زدن قانون اساسی اعلام می کند که: "ماموریت اصلی و مهم سپاه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن است" منظور بیش از آنکه دفاع از انقلاب باشد تهدید به کودتاست. یعنی سپاه در جایی که قرار باشد قدرت آن از طریق قانونی خدشه دار شود خود را موظف به "دفاع از انقلاب" - به تعبیری که خود از آن ساخته - یعنی انجام کودتا می داند. در این میان تفاوت بسیج با سپاه در آن است که سپاه این امر را همچون یک "وظیفه" بر عهده دارد در حالیکه بسیج به گفته فرمانده سپاه "داوطلبانه و از روی احساس تکلیف و باور دینی در این راه وارد شده" است. این تفاوت اما در عمل یعنی آنکه سپاه از روی "وظیفه" تابع قانون اساسی نیست، اما بسیج بنا به "تکلیف دینی" تابع قوانین عادی نیست. سپاه حق دارد تحت عنوان دفاع از انقلاب قانون اساسی را زیر پا گذارد، بسیج حق دارد تحت همین عنوان قوانین عادی را نقض کند.

۴- رکن چهارم ایدئولوژی بسیج فرهنگ ایثار و شهادت طلبی یا "فرهنگ و تفکر بسیجی" است. در این مورد نیز به هیچوجه نباید دچار اشتباه شد. هیچکس در بسیج قرار نیست شهید

شود و یا ایثار کند. منظور از فرهنگ بسیجی و ایثار و شهادت طلبی که می گویند، یعنی "همکاری طبقاتی". یعنی همکاری درون سازمان‌های حرفه‌ای و شغلی بسیج که در صورت موفقیت در ایجاد بسیج ده میلیونی جانشین سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی خواهند شد که اکنون معلوم شده جلوگیری از تشکیل آنان ناممکن است. مثلا کارگر یا آموزگار یا پرستار بسیجی که "فرهنگ بسیجی" دارد، یعنی می‌خواهد ایثار کند و شهید شود که برای مسایل مادی نظیر دستمزد بیشتر اعتصاب نمی‌کند و برای حقوق عقب مانده تظاهرات به راه نمی‌اندازد. این گونه دنبال مال دنیا رفتن مربوط به کسانی است که هنوز به سطح فرهنگ بسیجی و شهادت طلبی نرسیده اند. متقابلا سرمایه داران نیز باید ایثار کنند و مقداری از سود خود بگذرند. این می‌تواند نقشی باشد که در آینده برای امثال سردار محصولی همچون نماد یک سرمایه دار بسیجی و ایثارگر در نظر گرفته شده است. آرزو و شعار همکاری طبقاتی در بنیاد ایدئولوژیک همه تشکیلات و احزاب فاشیستی است و در ایران نام آن را گذاشته‌اند روحیه بسیجی و فرهنگ ایثار و شهادت طلبی. ضمن اینکه تکیه بر ضرورت توسعه علمی و صنعتی کشور که یک بعد مهم دیگر ایدئولوژیک طرح بسیج است مستلزم کار کشیدن بلانفس از زحمتکشان تحت عنوان ضرورت ایثار است و خود همکاری طبقاتی را ایجاب می‌کند.

### جنبه نظامی در طرح بسیج

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که نباید به تکیه‌ای که بر جنبه نظامی بسیج می‌شود بیش از اندازه بهاء داد. حتی می‌توان گفت جنبه نظامی، در این مرحله، جنبه فرعی در طرح بسیج ده میلیونی است. تکیه بر این جنبه در اصل برای آن است که فرماندهان سپاه توجیه لازم را داشته باشند که یک حزب سیاسی را مستقیما زیر فرماندهی خود و بدون ضرورت دادن کمترین پاسخی تشکیل دهند. می‌توان پیش‌بینی کرد که برای توجیه این مسئله از این پس ما وارد یک دوران بزرگنمایی خطرها و تهدیدهای نظامی خواهیم شد، همان تهدیدهایی که تا پیش از این "جنگ روانی" لقب داده می‌شد.

توجه به این نکته از آن جهت اهمیت دارد که بهای بیش از اندازه بر جنبه نظامی توسعه بسیج موجب می‌شود که بسیج تنها همچون یک ارگان سرکوب و در نتیجه دارای چشم انداز توسعه محدود در نظر گرفته شود و به امکان‌های گسترش سیاسی و توده‌ای بسیج، به پشتوانه قدرت دولتی و متکی بر چشم‌انداز بحران اقتصادی و اجتماعی کم بها داده شود. در نتیجه به تضادهایی که در عرصه سازماندهی نظامی و سیاسی بسیج وجود دارد و از آن می‌توان برای بر هم زدن این طرح استفاده کرد توجه نشود.

متقابلا اینکه تکیه بر جنبه نظامی، در این مرحله، جنبه فرعی در طرح بسیج ده میلیونی به معنای آن نیست که این طرح خالی از انگیزه‌ها و مقاصد نظامی است. کاملا برعکس. در بنیاد طرح بسیج ده میلیونی دقیقا نیازها و الزامات یک سیاست جنگی قرار گرفته است. این نیازها و الزامات در عرصه‌های زیر خود را نشان می‌دهد:

۱- از دست رفتن پشتوانه مردمی روحانیت و حکومت و تبدیل شدن سلاح به داور نهایی و در نتیجه صاحبان سلاح به قدرت مسلط در جمهوری اسلامی و تقاضای آنان برای داشتن نقش عمده در رهبری کشور

۲- افزایش روزافزون تهدیدهای خارجی بر بستر ضعف پایگاه مردمی حکومت

۳- افزایش تهدیدهای داخلی در نتیجه نارضایتی مردم و ضرورت آمادگی برای مقابله با آن

۴- توهم تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و براساس آن یک سیاست خارجی برتری طلبانه در قبال کشورهای همسایه با به نمایش گذاشتن قدرت نظامی

این مجموعه یک سیاست جنگی را طلب می‌کند و سیاست جنگی مستلزم یک مشارکت منفعلانه و فرمانبرانه است. سیاست جنگی حضور مردم در صحنه را برای بیان

خواست‌هایشان نمی‌خواهد بلکه برای تایید حکومت و تبدیل شدن آنان به گوشت دم توپ خواهان است. بنابراین، با آنکه در این مرحله جنبه نظامی جنبه فرعی در گسترش سیاسی بسیج و توجیه وابسته بودن آن به سپاه است، اما در نهایت تمام این گسترش در چارچوب یک طرح نظامی و سیاست جنگی است.

### **مقابله با طرح فاشیستی بسیج ده میلیونی**

مجموعه آنچه گفته شد نشان می‌دهد، به همان اندازه که سازماندهندگان طرح بسیج ده میلیونی امکان‌های گسترده‌ای برای پیشبرد طرح خود دارند، به همان اندازه نیز زمینه‌های وسیعی برای مقابله با این طرح به چشم می‌خورد. بحران سیاسی و بویژه استفاده از اهرم انتخابات رئیس‌جمهوری و انتخابات مجلس، ایستادگی جنبش‌های زنان و جوانان و دانشجویان، فشار کارگران و زحمتکشان و مبارزه آنان برای تشکلهای مستقل صنفی، ایستادگی قشرهای مختلف جامعه برای جلوگیری از دخالت سپاه و نظامیان در امور آنان و بویژه همگرا شدن این تلاش‌ها، تبدیل شدن هر یک از آنها به نقطه قوت دیگری، می‌تواند طرح بسیج ده میلیونی و بیست میلیونی را به شکست بکشاند.

در این زمینه همچنین باید پیامدهای طرح بسیج ده میلیونی برای مردم روشن شود. پیامد این طرح یعنی آنکه پژوهشگران، ورزشکاران، هنرمندان، روحانیان، کارگران، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، حقوقدانان، کارمندان، آموزگاران و ... همه و همه عضوی از بسیج یعنی وصل به سپاه هستند و از یک سپاهی باید فرمان برند. و این آخر خط بسیج ده میلیونی و بیست میلیونی است: ملتی که فرمانبر سپاهیان خود است نه سپاه‌یانی که فرمانبر ملت خود هستند!

راه توده ۲۰۷ ۲۰۰۸، ۱۲، ۲۲